

جایگاه عایشه در شکل‌گیری عقائد عامه

نویسنده: عباس دهرویه

مرکز حقایق اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

جریان سقیفه ، شرایط اجتماعی ، سیاسی بعد رسول خدا صلی الله علیه و آله را به گونه ای رقم زد که زمینه را برای دروغ بستن به پیامبر صلی الله علیه و آله و جعل حدیث بسیار آماده کرد .

از جاعلان حدیث که احادیثش سبب جریان سازی های بسیاری در طول تاریخ شده است عایشه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است که به واسطه ی موقعیت اجتماعی مناسبی که دستگاه خلافت برای او درست کرد با انگیزه های مختلف دست به جعل حدیث از لسان مبارک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زده است که در این نوشتار در صدد بررسی جایگاه عایشه در نقل احادیث و انگیزه های وی برای جعل آنها میپردازیم .

کلید واژگان : سقیفه ، عایشه ، جعل حدیث ، فتوا

مقدمه

از مهمترین انحرافات که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله بواسطه دستگاه سقیفه در جامعه اسلامی به طور گسترده پراکنده شد که بعد ها نیز سبب کج روی های اعتقادی فراوانی شد جعل حدیث از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله بود . بازار جعل حدیث به قدری داغ شد که بزرگان فریقین در برهه های مختلف به فکر پالایش احادیث افتادند و کتاب هایی در این زمینه نوشته شد .

این جعلیات توسط افراد مختلفی صورت گرفته است که اتفاقاً برخی از آنان از نزدیک ترین افراد به پیامبر صلی الله علیه و آله هستند . لذا برای شناسایی این احادیث باید بدون هیچ پیش زمینه ذهنی و پیش داوری و تعصب نسبت به هیچ شخصیتی به بررسی آنها پردازیم تا حقیقت برای ما روشن شده و سره از ناسره مشخص شود .

از دست دادن فرصتی استثنایی

عایشه حدود ۸ سال در خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله زندگی کرده است و در این مدت نسبتاً طولانی باید از اخلاق و سجایای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بهره می جست و این موقعیت زمینه ای مساعد برای رشد اخلاقی و و شکوفا شدن استعداد های الهی نهفته در وجود هر انسانی برای عایشه بوده است .

چنانکه قرآن کریم میفرماید : **وَ اذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا^۱**

ای همسران پیامبر، آنچه از آیات خدا و معارف الهی که در خانه های شما تلاوت می شود، به خاطر بسپارید و از آنها غفلت نکنید، که علم و قدرت خدا نافذ است و او به هر چیزی آگاهی دارد.

زیرا وی در خانه رسولی از خداوند متعال می زیسته است که به شهادت آیات قرآن کریم و روایات والاترین ترین و شریف ترین مخلوق خداوند بوده است .

اما ویژگی های اخلاقی عایشه که شخصیت او را در طول تاریخ ساخته است چنان در وجود او ریشه کرده بود که نه تنها از این فرصت استثنایی بهره نبرده است بلکه آن را دستاویز خواسته های نفسانی و دنیایی خود قرار داده و نهایت سوء استفاده از آن را کرده است .

به شهادت روایات اهل سنت عایشه در زندگی مشترک خود گاهی آنچنان رسول خدا صلی الله علیه و آله را آزرده است که حضرتشان را به عصبانیت شدید واداشته است .

آنچه در تاریخ از شخصیت فردی و اجتماعی عایشه به چشم میخورد او فردی عصبی ، سرکش ، دارای هوش و ذکاوت و در عین حال دارای رذیله اخلاقی حسادت است .

رشک و حسادت عایشه هیچ حریمی نمی شناخت و هرکسی میتوانست در قلمرو و حوزه حسادت او باشد . از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله گرفته تا فرزندان و نوادگان آن بزرگوار و از شخصیت های برجسته دینی گرفته تا نخبگان سیاست و قدرت .

در اعمال حسادت او تفاوتی بین زندگان و مردگان وجود نداشت چنانکه ام المومنین حضرت خدیجه سلام الله علیها اولین همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از ازدواج عایشه با پیامبر صلی الله علیه و آله به لقاء حق جل شانہ رسیده بود مورد حسادت او قرار میگرفت و خود در این باره چنین می گوید : ما غرت الی احد من نساء النبی ما غرت علی خدیجه و ما رایتها^۲

یعنی : به هیچ یک از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به اندازه خدیجه حسادت نداشتم ، هر چند او را ندیده بودم .

عایشه بر خلاف علاقه شدید پیامبر صلی الله علیه و آله به دخترش فاطمه سلام الله علیها ، بر او نیز نتوانست نگاه محبت آمیز داشته باشد

^۲ «صحیح البخاری» (۵ / ۳۸ ط السلطانیة)

ابن ابی الحدید می‌نویسد :

و كانت تكثر الشكوى من عائشة و يغشاها نساء المدينة و جيران بيتها فينقلن إليها كلمات عن عائشة^۳

بدگویی های او نسبت به فاطمه سلام الله علیها ، به قدری زیاد بود که زنان مدینه خبر بدگویی های او را به فاطمه سلام الله علیها می رساندند و ایشان خیلی از عایشه شکایت داشت.

جریان سازی اعتقادی

شاید مهمترین بخش زندگی عایشه را بتوان در دوران خلافت عثمان و امیرالمومنین علیه السلام یافت که بسیار نیز در مورد آن قلم فرسایی شده است . که با برپایی جنگ جمل در برابر خلیفه الهی وقت خودش به بهانه ی خونخواهی عثمان - که در حیات او بسیار با او دشمن بود - برهه ی تاریکی در تاریخ به جای گذاشته است .

اما این بخش فعالیت اجتماعی عایشه است . ناهنجاری ها و جریان سازی های اعتقادی و فرهنگی عایشه را باید در زمان دو خلیفه اول پی گرفت . که شدت تخریب آن شاید به مراتب بیشتر از تخریب اجتماعی او و جنگ جمل باشد .

آن زمانی که به بهانه ی همسری رسول خدا صلی الله علیه وآله با همکاری شدید حکومت محل رجوع صحابه و تابعین در نقل حدیث بود و میراث حدیثی رسول خدا صلی الله علیه وآله را به گرایش و دلخواه خودش دستخوش تحریفات و غرض ورزی ها قرار داد .

تاریخ اسلام از ابتدای بعثت تا بیعت با یزید و اتفاقات هولناکی مثل کربلا و واقعه حره به درستی درک نخواهد شد مگر این که احادیث عایشه که از منابع مهم تاریخ صدر اسلام است با دقت مورد بررسی قرار بگیرد تا حقیقت آن به درستی درک شود .

^۳ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید ؛ ج ۹ ؛ ص ۱۹۳

همان زمانی که امام سجاد علیه السلام فرمودند در مکه و مدینه بیست نفر نیستند ما را دوست داشته باشند .^۴

و از حسن بصری نقل شده است : اگر اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله به نزد شما بیایند جز قبله ، چیزی در بین شما نمیابند .^۵

و نیز باید بخشی از ریشه های اعتقادی باطل علمای اهل سنت و عامه ایشان در طول تاریخ را در همین روایات مجعول و منقول از عایشه جست و جو کرد .

جایگاه عایشه در نقل حدیث

تاریخ گواه میدهد که عایشه بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله محل رجوع مردم بوده است و برای آنها نقل حدیث میکرد و حتی گاهی از خود فتوا نیز صادر میکرد است .

قبل از آنکه علل پیدایش این جایگاه را بررسی کنیم به چند گزارش تاریخی در مورد اهمیت جایگاه وی دقت کنید .

ابو موسی می گوید : «مَا كَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَشْكُونَ فِي شَيْءٍ إِلَّا سَأَلُوا عَنْهُ عَائِشَةَ، فَيَجِدُونَ عِنْدَهَا مِنْ ذَلِكَ عِلْمًا»^۶

امری بر ما دشوار نمیشد جز آنکه به نزد عایشه میرفتیم و دانش آن را نزد او میافتیم

^۴ مَا بِمَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ عَشْرُونَ رَجُلًا يَجِبُنَا بِحَارِ الْأَنْوَارِ (ط - بيروت)، ج ۶، ص: ۱۴۳

^۵ قَالَ الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ: «لَوْ خَرَجَ عَلَيْكُمْ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا عَرَفُوا مِنْكُمْ إِلَّا قِبَلَتَكُمْ» «جامع بیان العلم وفضله» (۲/ ۱۲۲۲):

^۶ «الطبقات الكبرى ط دار صادر» (۲/ ۳۷۵)

ابوسلمه بن عبدالرحمن میگوید: «مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَعْلَمَ بِسُنَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَلَا أَفْقَهَ فِي رَأْيِ إِنْ أَحْتِجَّ إِلَى رَأْيِهِ، وَلَا أَعْلَمَ بِآيَةٍ فِيهَا نَزَلَتْ، وَلَا فَرِيضَةً مِنْ عَائِشَةَ»^۷

هیچ کس را نسبت به سنت های رسول خدا صلی الله علیه و آله دانا تر از عایشه ندیدم . او در رای و نظر از همه فقیه تر و در تفسیر آیات و احکام اعلم از همگان بود .

در روایتی محمود بن لبید صریحا بیان میکند که عایشه بعد رسول الله صلی الله علیه و آله فتوا میداد و خلفا به او رجوع میکردند .

وَكَانَتْ عَائِشَةُ تُفْتَى فِي عَهْدِ عُمَرَ وَعُثْمَانَ إِلَى أَنْ مَاتَتْ، يَرْحَمُهَا اللَّهُ، وَكَانَ الْأَكْبَرُ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عُمَرُ وَعُثْمَانُ بَعْدَهُ يَرْسِلَانِ إِلَيْهَا فَيَسْأَلَانِهَا عَنِ السُّنَنِ»^۸

این جایگاه برای عایشه به قدری برای آیندگان خوشایند بود که برای تثبیت این جایگاه و بهره تام از احادیث عایشه حدیثی جعل کردند: «خُذُوا شَطْرَ دِينِكُمْ مِنَ الْحُمَيْرَاءِ» يَعْنِي عَائِشَةَ^۹ نصف دیتان را از عایشه بگیرید

گرچه ابن حجر روایت را موضوع می داند و میگوید: لا أعرف له إسنادا^{۱۰}

تثبیت جایگاه عایشه توسط خلفا

برخورد دو خلیفه ی اول در زمان خلافتشان با عایشه به گونه ای جایگاه وی را تثبیت کرد که نه تنها عایشه در صدر اسلام از میان ۹ همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله شاخص شد بلکه در جهان اسلام در ادوار تاریخ مورد توجه قرار گرفت و انظار به سوی او معطوف شد .

^۷ همان

^۸ همان

^۹ «النهاية في غريب الحديث والأثر» (۱/ ۴۳۸):

^{۱۰} «تفسير القرآن العظيم - السخاوي» (۱/ ۵۳۲):

ابوبکر و عمر از هیچ یک از زنان رسول خدا صلی الله علیه و اله به جز عایشه در خواست فتوا نکردند و حتی اجازه این امر را به کسی ندادند . و این تنها عایشه بود که در موقعیت های گوناگون مورد سوال در مورد سنت رسول خدا صلی الله علیه و اله قرار می گرفت و از او فتوا میخواستند و به آن عمل میکردند .

ذهبی در سیر اعلام می نویسد :

«كَانَتْ عَائِشَةُ قَدْ اسْتَقَلَّتْ بِالْفُتُوى فِي خِلاَفَةِ أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ، وَإِلَى أَنْ مَاتَتْ»^{۱۱}

برای تثبیت بیشتر این جایگاه حتی خلیفه دوم به بهانه محبت شدید رسول خدا صلی الله و آله به عایشه ! مستمری او را از بیت المال بیشتر از زنان دیگر رسول خدا صلی الله علیه و اله میداد .

ذهبی در تاریخ الاسلام می نویسد :

«عَنْ مُصْعَبِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ: فَرَضَ عُمَرُ لِأُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ عَشْرَةَ آلَافٍ، عَشْرَةَ آلَافٍ، وَزَادَ عَائِشَةَ الْفَيْنِ، وَقَالَ:

أَنَّهَا حَبِيبَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»^{۱۲}

البته دادن این موقعیت ها به عایشه از سر علاقه و احترام به وی یا احترام به رسول خدا صلی الله علیه و اله نبوده است بلکه دختر ابوبکر به عنوان همسر پیامبر صلی الله علیه و اله بهترین گزینه برای تثبیت ، و جایگاه دادن به مقام خلافت غاصبین بوده است و به قول معروف بین عایشه و خلفا بده و بستون بوده است . و این آمد و شد ها برای هر دو طرف سودمند بوده است .

و در آینده بحث می کنیم که عایشه با جعل روایت چگونه به خلفا خوش خدمتی کرده است !

^{۱۱} «سیر اعلام النبلاء - ط الرسالة» (۵ / ۵۵):

^{۱۲} «تاریخ الإسلام - ت تدمری» (۴ / ۲۵۱):

عایشه و تثبیت جایگاه خود

عایشه برای به دست آوردن جایگاهی مورد قبول و تثبیت جایگاه خود در جامعه، با انگیزه حدیث سازی، گاهی احادیث صحابه را رد میکرد و مدعی میشد که من به سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله آگاه تر هستم در مستدرک حاکم نقل شده عایشه بعد نقل روایتی از ابوهریره او را فراخواند و با اعتراض به او گفت:

«يَا أَبَا هُرَيْرَةَ، مَا هَذِهِ الْأَحَادِيثُ الَّتِي تَبْلُغُنَا أَنْكَ تُحَدِّثُ بِهَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، هَلْ سَمِعْتَ إِلَّا مَا سَمِعْنَا؟ وَهَلْ رَأَيْتَ إِلَّا مَا رَأَيْنَا؟»^{۱۳}

یعنی: ابوهریره این سخنان چیست که به ما میرسد و می شنویم که تو آنها را از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت میکنی؟ آیا تو چیزی جز آنچه ما شنیده ایم شنیده ای؟ و آیا چیزی جز آنچه ما دیده ایم دیده ای؟ و حتی برای مخالفت کردن با روایات صحابه عملاً وارد میدان می شده است.

وقتی عایشه از ابوهریره حدیثی شنید که رسول الله صلی الله علیه و آله نهی فرمودند از راه رفتن با یک لنگه کفش، خودش عملاً برای مخالفت با این روایت وارد میدان شد و در انتظار با یک لنگه کفش راه رفت تا بگوید این روایت اشتباه است و من به سنت رسول الله صلی الله و آله آگاه تر هستم^{۱۴}

موفقیت عایشه در تثبیت جایگاه نقل حدیث

تلاش های عایشه و خدمات دستگاه خلافت برای بالا بردن جایگاه اجتماعی وی به اندازه ای موفقیت آمیز بود که مکرر در تاریخ و احادیث عامه آمده است که وقتی حدیثی را از صحابه می شنیدند، اگر باور نمیکردند یا معارض آن را شنیده بودند یا نیاز به توضیح بیشتری داشتند به عایشه رجوع میکردند.

^{۱۳} «المستدرک علی الصحیحین للحاکم - ط العلمیة» (۳/ ۵۸۲)

^{۱۴} «وَأَخْرَجَ التِّرْمِذِيُّ بِسَنَدٍ صَحِيحٍ عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا كَانَتْ تَقُولُ لِلْخِيفَنَ أَبَا هُرَيْرَةَ فَيَمْشِي فِي نَعْلٍ وَاحِدَةٍ» «فتح الباری لابن حجر» (۱۰/ ۳۱۰):

برای نمونه احمد بن حنبل در مسندش از ابوهریره از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله روایتی نقل کرده است که :

اگر کسی بر جنازه ای نماز بخواند اجر او به اندازه یک قیراط است و اگر کسی در تشییع جنازه ای شرکت کند اجر او به اندازه دو قیراط است که یکی از آنها اندازه کوه احد است .

وقتی خبر به ابن عمر میرسد او این کلام را بزرگنمایی ابوهریره دانست . و برای حل مسئله به دنبال عایشه میفرستد و عایشه کلام را از رسول خدا صلی الله علیه و آله تایید میکند .

با تایید عایشه مطلب چنان برای ابن عمر واضح میشود که حسرت میخورد تا به حال چه قدر ثواب از دست داده است . فَقَالَ ابْنُ عُمَرَ: لَقَدْ فَرَطْنَا فِي قَرَارِيطٍ كَثِيرَةٍ^{۱۵}

و در روایت مستدرک حاکم ابن عمر بعد از تایید عایشه با بیان عذر خواهی به ابوهریره میگوید :

يَا أَبَا هُرَيْرَةَ كُنْتَ أَلْزَمَنَا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَعْلَمَنَا بِحَدِيثِهِ^{۱۶}

با دقتی در کتب حدیثی اهل سنت از میان همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشترین احادیث را از عایشه میابیم به گونه ای که به تنهایی ۲۲۱۰ روایت از وی نقل شده و این در حالی است که از ۸ همسر دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله تنها ۶۱۲ حدیث نقل شده است . و حتی به گواه تاریخ برخی از همسران مثل ام سلمه سال های بیشتری در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله زندگی کرده اند.

حال آیا این تعداد از احادیث و همت دستگاه خلافت برای رجوع به عایشه مقداری مشکوک به نظر نمی رسد و نیاز به بررسی و پالایش احادیث وی نیست ؟

^{۱۵} «مسند أحمد» (۱۶ / ۲۸۶ ط الرسالة):

^{۱۶} «المستدرک علی الصحیحین للحاکم - ط العلمیة» (۳ / ۵۸۴):

اگر بخواهیم به صورت دقیق انگیزه های جعل حدیث توسط عایشه را بررسی کنیم به موارد متعددی دست پیدا خواهیم کرد . ما در این نوشتار ابتدائاً فقط به برخی از مهمترین انگیزه های عایشه در جعل روایات اشاره ای میکنیم و بعد به بررسی و توضیح آنها میپردازیم .

انگیزه های جعل حدیث توسط عایشه

۱. تسویه حساب های شخصی عایشه توسط جعل حدیث از لسان رسول الله صلی الله علیه و آله
۲. شخصیت سازی و بازیابی آبروی از دست رفته خودش
۳. تحکیم جایگاه غاصبانه خلافت خلیفه اول و دوم
۴. تزلزل جایگاه نبوت و شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله برای همسان سازی خلفا با پیامبر صلی الله علیه و آله

تسویه حساب های شخصی

موقعیت والا و مقبولیت قابل توجهی که برای عایشه در جامعه اسلامی زمان خلفا درست شده بود بار دیگر کینه ها و حسادت هایش او را بر آن میداشت که با جعل و نقل احادیثی از اندرونی زندگی خود با رسول الله صلی الله علیه و آله پرده بردارد تا در رقابت های زنانه با دیگر زنان رسول الله عقب نیفتند .

عایشه که هیچگاه در طول زندگیش با رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله مورد توجه خاص و محبت آن حضرت قرار نگرفت و بلکه حتی رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها از او شکایت کرده بود . این مسئله او را بر آن وا میداشت تا عکس العمل های شدیدی نسبت به زنان مورد علاقه رسول خدا صلی الله علیه و آله مثل ماریه ، زینب بن جحش و خدیجه سلام الله علیهما از خود نشان دهد .

قبل از آنکه به بررسی آن روایات بپردازیم حساسیت و حسادت عایشه نسبت به همسران مورد علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله را در روایاتی بیان میکنیم .

عایشه و زینب بنت جحش

حاکم در مستدرکش بیان میکند که ایه ۳۷ احزاب در مورد تزویج زینب در خانه عایشه نازل شد . و او میگوید بعد نزول ایه خیالات وجودم را فرا گرفت زیرا وصف جمال و زیبایی اش را شنیده بودم .

فَأَخَذَنِي مَا قَرَّبَ وَمَا بَعْدَ لِمَا كَانَ بَلَّغَنِي مِنْ جَمَالِهَا وَأُخْرَى هِيَ أَعْظَمُ الْأُمُورِ وَأَشْرَفُهَا مَا صَنَعَ اللَّهُ لَهَا زَوْجَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ السَّمَاءِ»

وَقَالَتْ عَائِشَةُ: «هِيَ تَفْخَرُ عَلَيْنَا بِهَذَا»^{۱۷}

و با خود گفتم او با چنین ویژگی هایی بر ما مباحثات میکند .

در روایت دیگری نیز از عایشه نقل شده است :

« لم يكن أحد من نساء النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تساميني في حسن المنزلة عنده غير زينب بنت جحش»^{۱۸}

هیچ زنی در حسن منزلت به درجه من نمیرسید مگر زینب بنت جحش .

عایشه و ماریه

عایشه میگوید : «مَا غَرْتُ عَلَى امْرَأَةٍ إِلَّا دُونَ مَا غَرْتُ عَلَى مَارِيَةَ؛ وَذَلِكَ أَنَّهَا كَانَتْ جَمِيلَةً مِنَ النِّسَاءِ جَعْدَةً، وَأَعْجَبَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»

بر هیچ زنی مانند ماریه حسادت نکردم زیرا او بسیار زیبا بود و موی مجعد داشت و پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار او را دوست داشت .

^{۱۷} «المستدرک علی الصحیحین للحاکم - ط العلمیة» (۴ / ۲۵):

^{۱۸} «الاستیعاب فی معرفة الأصحاب» (۴ / ۱۸۵۰)

وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ مُعْجَبًا بِأَمِّ إِبْرَاهِيمَ وَكَانَتْ بَيْضَاءَ جَمِيلَةً^{۱۹}

پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار ام ابراهیم (ماریه) را دوست داشت و او سفید و زیبا بود .

عایشه و ام المومنین خدیجه سلام الله علیها

به شهادت تاریخ و روایات فریقین ام المومنین حضرت خدیجه سلام الله علیها محبوب ترین همسر در نزد رسول خدا صلی الله علیه و اله بوده است تا جایی که تازمان حیات ایشان رسول الله صلی الله علیه و اله با هیچ کس ازدواج نکرده است

و همین موضوع بهترین دستاویز برای ابراز حسادت های ریشه دار عایشه بوده است

در روایتی از مسند احمد وارد شده وقتی با ذکر خیر حضرت خدیجه سلام الله علیها توسط رسول خدا صلی الله علیه و اله حسادت عایشه بر انگیخته شد با بی ادبی گفت : چه قدر از آن پیرزن بی دندان قریشی یاد میکنی؟ مدتهاست که او مرده و خدا بهتر از او را به تو ارزانی داشته .

رسول خدا صلی الله علیه و آله با عصبانیت فرمود : «مَا أَبْدَلَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خَيْرًا مِنْهَا»^{۲۰}

هرگز خدا نیکوتر از او را به من نداده است .

اگر از اظهار حسادت ها و آزار و اذیت ها و برخورد های فیزیکی عایشه نسبت به هوو هایش چشم پوشی کنیم که بحث در مورد آن مجال بسیار میطلبد . وی برای مقابله با آنها و برای اینکه نشان دهد او نیز مورد محبت رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است دست به جعل روایاتی شرم آور از خلوت خود با پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله زده است .

^{۱۹} «الطبقات الکبری ط دار صادر» (۸/ ۲۱۳):

^{۲۰} «مسند أحمد» (۴۱/ ۳۵۶ ط الرسالة):

ما قبل از بیان این روایات از کتب صحیح اهل سنت از خوانندگان عزیز عذرخواهی میکنیم .

صورت پیامبر بر ران های عایشه !

در سنن ابی داوود از عایشه روایت شده است :

«قالت: أَخْبِرْكُ بِمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : دَخَلَ فَمَضَى إِلَى مَسْجِدِهِ - تَعْنِي مَسْجِدَ بَيْتِهِ - فَلَمْ يَنْصَرِفْ حَتَّى غَلَبَتْنِي عَيْنِي وَأَوْجَعَهُ الْبَرْدُ، فَقَالَ: (ادْنِي مِنِّي)، فَقُلْتُ: إِنِّي حَائِضٌ، فَقَالَ: "وَأِنْ، اكشِفِي عَن فَخْدَيْكَ"، فَكَشَفْتُ فَخْدَيَّ، فَوَضَعَ خَدَّهُ وَصَدْرَهُ عَلَيَّ فَخَدَّيَّ، وَحَنَيْتُ عَلَيْهِ حَتَّى دَفِئَ وَنَامَ .^{۲۱}

ایا به تو خبر بدهم از آنچه رسول الله صلی الله علیه و آله انجام داده است ؟ او وارد منزل شد و به محل نمازش رفت تا اینکه من خوابم برد . سرما او را آزار داد پس فرمود : نزدیک من بیا ! من گفتم در حال عادت هستم . فرمود : بیا اگر چه عادت باشی . و رانت هایت را برای من عریان کن . سپس گونه و سینه اش را بر ران های من گذاشت و من بر روی او خم شدم تا گرم شد و خوابید .

بوسیدن عایشه در حال روزه !

این روایات شنیع را علمای اهل سنت در کتب مختلفشان نقل کرده اند و ما به چند روایت اکتفا میکنیم .

«حَدَّثَنَا عَفَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ دِينَارٍ، عَنْ سَعْدِ بْنِ أَوْسٍ، عَنْ مِصْدَعِ أَبِي يَحْيَى الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ عَائِشَةَ، " أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، كَانَ يَقْبَلُهَا وَهُوَ صَائِمٌ، وَيَمُصُّ لِسَانَهَا»

ابی یحیی انصاری از عایشه نقل میکند که رسول الله صلی الله علیه و آله در حالی که روزه بود مرا میبوسید و زبان مرا میمکید .!!!

^{۲۱} «سنن ابی داود» (۱/ ۱۹۳ ت الأرئووط):

در روایت دیگری مسروق از عایشه نقل میکند

عَنْ مَسْرُوقٍ، قَالَ: قَالَتْ عَائِشَةُ " إِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِيَطَّلُ صَائِمًا، ثُمَّ يَقْبَلُ مَا شَاءَ مِنْ وَجْهِي حَتَّى يَفْطِرَ.

پیامبر صلی الله علیه و آله در حال روزه مدام هر چه میخواست مرا میبوسید تا افطار شود !!

ملاحظه میفرمایید عایشه برای اینکه ثابت کند رسول خدا صلی الله علیه و آله همانطور که به دیگر همسرانش محبت داشته است به او نیز محبت داشته بلکه محبت پیامبر صلی الله علیه و آله به او سرآمد بوده است ، دست به چه یاوه گویی هایی زده است . و در طول قرون علمای اهل سنت بدون هیچ اغماضی از روایات عایشه که تناقض واضح با برخی اصول و فروع دین دارد این روایات را نقل کرده اند .

شخصیت سازی و بازبایی آبروی از دست رفته

آزارها و اذیت های عایشه نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله آنقدر متعدد دارد که نه تنها رسول الله با ضربه دست او را تادیب کرد و پدرش ابوبکر به او حمله کرد تا او را سیلی بزند بلکه خداوند متعال در قرآن کریم عایشه را به خاطر آزار رسول خدا صلی الله علیه و آله دعوت به توبه می کند.

برخورد شدید رسول الله با عایشه

در روایات متعدد از قول عایشه نقل شده است وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله شبانه برای مناجات میرفت حسادت زنانه من گل میکرد و گمان میکردم او به نزد زن های دیگرش میرود و او را تا بقیع تعقیب میکردم .

مسند احمد از عایشه نقل میکند در یکی از این تعقیب های شبانه وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله متوجه من شد به دنبال من آمد و من تا منزل و حجره دویدم . وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله داخل حجره شد و اعتراف کردم که

من او را تعقیب می‌کردم . «فَلَهَزَنِي فِي ظَهْرِي لَهْزَةً، أَوْجَعْتَنِي»^{۲۲} چنان با دست به پشت من زد که من احساس درد کردم

حمله ابوبکر به عایشه

نسایى در کتاب خصائصش نقل می‌کند :

روزی ابوبکر صدای عایشه را شنید که با تندی و بلندی به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید :

لقد علمت أن عليا أحب إليك من أبي

فهميدم که علی علیه السلام از پدر من نزد تو محبوب تر است .

فَأَهْوَى إِلَيْهَا أَبُو بَكْرٍ لِيَلْطِمَهَا وَقَالَ يَا ابْنَةَ فُلَانَةَ أَرَأَاكَ تَرْفَعِينَ صَوْتَكَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَمْسَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَخَرَجَ أَبُو بَكْرٍ مَغْضُوبًا»^{۲۳}

ابوبکر، به دخترش عایشه حمله برد تا سیلی به رخسارش بزند و به او گفت: ای دختر فلانه! می‌بینم که تو بر سر رسول خدا صلی الله علیه و آله فریاد می‌زنی! رسول خدا صلی الله علیه و آله در این حالت جلوی ابوبکر را گرفت. ابوبکر، خشمگین شد و از منزل بیرون رفت.

دستور خدا به توبه عایشه

صحیح بخاری در روایتی نقل میکند که آیات سوره تحریم و توبیخ خداوند در شان عایشه و حفصه نازل شده است .

حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ صَبَّاحٍ: حَدَّثَنَا حَجَّاجٌ، عَنِ ابْنِ جُرَيْجٍ قَالَ: زَعَمَ عَطَاءٌ أَنَّهُ سَمِعَ عُبَيْدَ بْنَ عُمَيْرٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «كَانَ يَمُكْتُ عِنْدَ زَيْنَبَ بِنْتِ جَحْشٍ وَيَشْرَبُ عِنْدَهَا

^{۲۲} «مسند أحمد» (۴۳/ ۴۴ ط الرسالة):

^{۲۳} «خصائص علي» (ص ۱۲۶):

عَسَلًا، فَتَوَاصَيْتُ أَنَا وَحَفْصَةُ أَنْ أُيْتَنَا دَخَلَ عَلَيْهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَلْتَقُلْ إِنِّي أَجِدُ مِنْكَ رِيحَ مَغَافِيرٍ، أَكَلْتَ مَغَافِيرَ، فَدَخَلَ عَلَيَّ إِحْدَاهُمَا فَقَالَتْ لَهُ ذَلِكَ، فَقَالَ: لَا، بَلْ شَرِبْتُ عَسَلًا عِنْدَ زَيْنَبَ بِنْتِ جَحْشٍ، وَلَنْ أَعُودَ لَهُ. فَنَزَلَتْ { يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ } إِلَى { إِنَّ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ } لِعَائِشَةَ وَحَفْصَةَ { وَإِذْ أَسْرَأَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ } لِقَوْلِهِ: بَلْ شَرِبْتُ عَسَلًا.^{٢٤}

خلاصه ترجمه :

عایشه میگوید : پیامبر صلی الله علیه و آله نزد زینب بنت جحش عسلی خورد و به نزد من آمد . من از روی حسادت گفتم : مغفیر^{٢٥} خورده ای ؟ بوی مغفیر میدهی ! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : نه نزد زینب عسلی خورده ام که دیگر نمیخورم . که این آیات نازل گردید : { يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ } إِلَى { إِنَّ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ }

ای پیامبر چیزی را که ما بر تو حلال کرده ایم بر خود حرام میکنی ؟ تا اینجا که : اگر شما دو زن توبه کنید یعنی عایشه و حفصه .

با این اوصافی که از عایشه در قرآن و روایات بیان شده است و اجمالا چند مورد را از نظر خوانندگان محترم گذرانیدیم . عایشه نه تنها نمی تواند جایگاه اجتماعی خاصی پیدا کند بلکه باید منفور و مورد مذمت مسلمین باشد زیرا مورد مذمت کتاب خدا و لسان رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است . لذا باید برای این مشکل چاره ای بیندیشد و دستاویز روایات جعلی در شان و فضیلت خودش بشود .

حال به چند روایتی که عایشه با زیرکی برای آبروی خود چاره جویی کرده و دست به جعل آنها زده است اشاره میکنیم .

^{٢٤} «صحیح البخاری» (٧ / ٤٤ ط السلطانیة):

^{٢٥} مغفیر صمغ درختی است که شیرین و بدبو است.

مژده به پیامبر صلی الله علیه و آله به آمدن عایشه

در صحیح بخاری و دیگر کتب عایشه در فضیلت خودش اینگونه نقل می کند :

«قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: رَأَيْتُكَ فِي الْمَنَامِ يَجِيءُ بِكَ الْمَلَكُ فِي سَرَقَةٍ مِنْ حَرِيرٍ، فَقَالَ لِي هَذِهِ أَمْرَاتُكَ، فَكَشَفْتُ عَنْ وَجْهِكَ الثَّوْبَ، فَإِذَا أَنْتِ هِيَ، فَقُلْتُ: إِنَّ يَكُ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ يَمْضِهِ.»^{٢٦}

یعنی : پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود : در خواب دیدم فرشته ای تو را در پارچه ای از حریر برای من آورد ! و به من گفت این همسر توست لذا گفتم : اگر این از سوی خدا باشد به انجامش می رساند .

عایشه جبرئیل را می بیند

در صحیح بخاری از عایشه روایت شده است :

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا رَجَعَ يَوْمَ الْخَنْدَقِ وَوَضَعَ السَّلَاحَ وَأَغْتَسَلَ فَأَتَاهُ جِبْرِيلُ وَقَدْ عَصَبَ رَأْسَهُ الْغُبَارُ فَقَالَ: وَضَعْتَ السَّلَاحَ فَوَاللَّهِ مَا وَضَعْتُهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: فَأَيْنَ. قَالَ: هَا هُنَا وَأَوْمَأَ إِلَى بَنِي قُرَيْظَةَ. قَالَتْ: فَخَرَجَ إِلَيْهِمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.»^{٢٧}

خلاصه ترجمه : وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از جنگ خندق بازگشت و سلاح بر زمین نهاد . جبرئیل با چهره ای غبار آلود نزد او آمد و گفت : سلاح بر زمین نهادی ؟ والله من هنوز سلاح بدست دارم برخیز و به سوی بنی قریظه برو ...

ملاحظه فرمودید عایشه چگونه برای خود چهره ای ملکوتی درست کرد . و محدثین اهل سنت با ذوق و شوق فراوان آن را نقل کرده اند .

^{٢٦} «صحیح البخاری» (٧ / ١٤ ط السلطانیة):

^{٢٧} «صحیح البخاری» (٤ / ٢١ ط السلطانیة):

آیا با اینگونه احادیث که عایشه را از آسمان در پارچه ای حریر به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قبل ازدواج مژده داده اند و او آنقدر در معنویت به اوج رسیده است که ملک مقرب خداوند ، جبرئیل را از نزدیک با گرد و غبار صورت مشاهده میکند در حالیکه کمتر کسی چنین ادعایی کرده است .

باز هم به ذهن خطور میکند که خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله از او ناراضی باشند و جایگاهش جز بهشت باشد !!!

تحکیم جایگاه غاصبانه خلافت خلیفه اول و دوم

همانطور که در گذشته عرض شد ما بین عایشه و خلفا معامله ای وجود داشته است . همانطور که ابوبکر و عمر خانه ی او را محل فتوا و رجوع مردم قرار داده بودند و جایگاه اجتماعی وی را به هر ترفندی حفظ و ارتقا داده بودند . حالا نوبت عایشه است تا بوسیله ی این جایگاه اجتماعی الطاف خلفای غاصب را جبران کند و در برابر اینهمه لطف و عنایت بیکران آنها قدمی بردارد .

تعیین ابوبکر برای خلافت

عایشه خوش خدمتی خودش را به پدرش و دستگاه خلافت اینگونه اظهار میکند که حدیث معروف قلم و قرطاس را که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در لحظات پایانی عمر شریفش برای تاکید جانشینی علی بن ابی طالب علیه السلام که قبلا بارها تذکر داده بود و سه ماه قبل در جریان غدیر خم به طور عمومی از مردم بیعت گرفته بود قلم و کاغذی درخواست کرد اما عمر به حضرتش تهمت هذیان زد و درخواست او را رد کردند. در شان پدرش ابوبکر میخواند

ابوداود طیالسی روایت را از عایشه اینگونه نقل می کند :

عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: «قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي مَرَضِهِ الَّذِي مَاتَ فِيهِ: ادْعِي لِي عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ، أَكْتُبُ لَأَبِي بَكْرٍ كِتَابًا لَا يَخْتَلَفُ عَلَيْهِ بَعْدِي ثُمَّ قَالَ: دَعِيهِ، مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ يَخْتَلِفَ الْمُؤْمِنُونَ فِي أَبِي بَكْرٍ»^{٢٨}

عمر با غیرت تر از رسول خدا صلی الله علیه وآله

عایشه برای خدمت به دستگاه خلافت و بالا بردن جایگاه خلفا از هیچ چیزی دریغ نمیکنند و حتی معاذ الله رسول خدا صلی الله علیه و آله را بی غیرت جلوه میدهد.

مسلم در صحیحش از عایشه اینگونه نقل می کند :

عَنْ عَائِشَةَ « أَنْ أُرْوَجَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَنْ يَخْرُجْنَ بِاللَّيْلِ إِذَا تَبَرَّزْنَ إِلَى الْمَنَاصِعِ وَهُوَ صَعِيدٌ أَفِيحٌ، وَكَانَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ يَقُولُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَحْجَبُ نِسَاءَكَ! فَلَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَفْعَلُ، فَخَرَجَتْ سَوْدَةُ بِنْتُ زَمْعَةَ زَوْجَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْلَةً مِنَ اللَّيَالِي عِشَاءً، وَكَانَتْ امْرَأَةً طَوِيلَةً، فَتَادَاهَا عُمَرُ: أَلَا قَدْ عَرَفْنَاكَ يَا سَوْدَةُ! حَرِصًا عَلَى أَنْ يَنْزَلَ الْحِجَابُ. قَالَتْ عَائِشَةُ: فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْحِجَابَ. »^{٢٩}

ترجمه :

عایشه می گوید: زنان رسول خدا صلی الله علیه وآله شبانه برای قضای حاجت به زمین وسیعی که در خارج مدینه بود، می رفتند. عمر بن خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می گفت: زنان را بپوشان، اما رسول خدا صلی الله علیه وآله گوش فرا نمی داد تا اینکه شبی سوده برای قضای حاجت خارج شد، وی زنی بلند قامت بود، عمر او را دید و فریاد زد: ای سوده ما تو را شناختیم، (عایشه ادامه می دهد و می گوید): این کار عمر بخاطر این بود که حریص بر نزول آیه حجاب بود، خدا نیز (بخاطر خواسته قلبی او) آیه حجاب را نازل نمود.

^{٢٨} «مسند ابی داود الطیالسی» (٣/ ١٠٤)

^{٢٩} «صحیح مسلم» (٧/ ٧ ط ترکیه)

تزلزل جایگاه نبوت و شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله برای همسان سازی خلفا با پیامبر

هر چند که عایشه و دیگران برای خلفای غاصب فضیلت تراشی کنند و هر آنچه در شان و فضیلت علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شده بود عینا برای آنها جعل کنند اما باز مشکل دیگری وجود دارد و آنهم مطاعن ، رذائل و صفات نقصی که در درون آنها ریشه دوانده بود و با وجود این نقص ها جایگاه جانشینی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله برای آنها متزلزل میشد .

چرا که در عقل و عرف و شرع کسی شایستگی جانشینی یک پیامبر الهی صلی الله علیه و آله را دارد که از هر جهتی به صفات وی نزدیک تر باشد و این علی بن ابی طالب علیه السلام بود که در آیه مباحثه از سمت خداوند به عنوان نفس رسول الله صلی الله علیه و آله معرفی شده بود .

تنها راهی که برای خلفا و طرفداران مکتب سقیفه باقی مانده بود همسان سازی رسول الله صلی الله علیه و آله با خلفا بود . درست است که از طرفی فضائلی برای آنها جعل شد اما این کفایت نمیکرد چون این فضائل در کنار نقص های آشکاری بود که مانع از رسیدن آنها به درجه و مرتبه و بلندی رسول خدا صلی الله علیه و آله بود لذا تنها راه باقی مانده این بود که پیامبر را از جایگاه خودش به زیر بکشند و او را از مقام پیامبری به یک انسان عادی و معمولی جلوه دهند تا بلکه روایات جعلی دستور پیامبر صلی الله علیه و آله مبنی بر رجوع به ابوبکر و عمر مقداری باور پذیر تر بشود .

به بیانی دیگر کاری که عایشه به نحو احسن آن را انجام داد این بود که دو جایگاه عرشی و فرشی را به یکدیگر رساند . یعنی با جعل فضائل دروغ ابوبکر و عمر را از جایگاه فرشی ، رفعت داد و با جعل منقصت برای رسول خدا صلی الله علیه و آله به ظاهر ایشان را از جایگاه عرشی خود تنزل داد .

به عنوان نمونه به چند روایت اشاره میکنیم

راهنمایی جبران ناپذیر پیامبر

«عَنْ عَائِشَةَ. أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ بِقَوْمٍ يَلْقَحُونَ. فَقَالَ "لَوْ لَمْ تَفْعَلُوا لَصَلَحَ" قَالَ فَخَرَجَ شَيْصًا. فَمَرَّ بِهِمْ فَقَالَ "مَا لِنَخْلِكُمْ؟" قَالُوا: قُلْتَ كَذَا وَكَذَا. قَالَ "أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِأَمْرِ دُنْيَاكُمْ"^{۳۰}

مسلم از عایشه نقل میکند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از کنار قومی گذشت که مشغول گرد افشانی درختان خرما بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها گفت اگر این کار نکنید برایتان بهتر است. گویند: محصول آن سال خشکید. پیامبر صلی الله علیه و آله سوال کرد درخت هایتان چه شد؟ گفتند: تو خود گفتی چنین و چنان کنید! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: شما به امور دنیایی خودتان آگاه تر هستید!!!

کدام مخلوقی دیگر به چنین پیامبری اطمینان میکند؟! پیامبری که دارای مقام عصمت هست به کجا تنزل میدهند؟! و سوال مهم تر این است که به چه علت او را از مقامش حتی نه به حد یک انسان عادی بلکه پایین تر از آن تنزل میدهند؟! چرا که تمام مردمان شبه جزیره عربستان میدانند برای باروری درخت خرما باید گردافشانی صورت بگیرد و پیامبر خدایی که در همان منطقه زندگی میکند نمیداند!

زنان آوازه خوان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله

بار دیگر عایشه برای تخریب چهره رسول خدا صلی الله علیه و آله دست به جعل روایتی شرم آور میزند و جناب بخاری آن را در کتاب صحیح! خودش نقل میکند

^{۳۰} «صحیح مسلم» (۷/ ۹۵ ط التریکیه)

عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: «دَخَلَ أَبُو بَكْرٍ وَعِنْدِي جَارِيَتَانِ مِنْ جَوَارِي الْأَنْصَارِ، تُغْنِيَانِ بِمَا تَقَاوَلَتِ الْأَنْصَارُ يَوْمَ بُعَاثٍ^{٣١}، قَالَتْ: وَكَيْسَتَا بِمُعْنِيَتَيْنِ، فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: أَمْزَامِيرُ الشَّيْطَانِ فِي بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ وَذَلِكَ فِي يَوْمِ عِيدٍ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا أَبَا بَكْرٍ، إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ عِيدًا، وَهَذَا عِيدُنَا»^{٣٢}

عایشه میگوید : ابوبکر به منزل ما داخل شد در حالی که دو کنیز آوازه خوان ، آواز روز بعثت را میخواندند. ابوبکر گفت ابزار شیطان در خانه رسول خدا ؟ پیغمبر فرمود : (رهایشان کن) هر قومی برای خود عیدی دارند و امروز روز عید ماست.

پیامبر آیه قرآن را فراموش میکند

در روایتی از صحیح بخاری از عایشه اینطور نقل شده است :

عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: «سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا يَقْرَأُ فِي الْمَسْجِدِ فَقَالَ: يَرْحَمُهُ اللَّهُ، لَقَدْ أَذْكَرَنِي كَذَا وَكَذَا آيَةً، مِنْ سُورَةِ كَذَا»^{٣٣}

رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی وارد مسجد شد و شنید که مردی آیاتی از قرآن کریم را می خواند؛ پس گفت : خداوند او را رحمت کند، به درستی که او فلان و فلان آیه را از فلان سوره به یادم آورد. علاوه بر اینکه این روایت با مقام عصمت منافات دارد . قطعاً اطمینان خاطر مردم را نسبت به یک پیامبر الهی مکدر میکند و از جایگاه خود فرو مینشیند .

^{٣١} روز بعثت روز نبرد میان قبیله اوس و خزرج بوده که در آن روز قبیله اوس بر قبیله خزرج پیروز شده است .

^{٣٢} «صحیح البخاری» (٢/ ١٧ ط السلطانیة):

^{٣٣} «صحیح البخاری» (٦/ ١٩٣ ط السلطانیة):

اصلا از کجا معلوم که آیات دیگری را که خدا به رسولش نازل کرده است او آنها را نیز فراموش نکرده باشد و ما از وجود آیات بی بهره نشده باشیم؟

دستیابی به سر جعل این حدیث از جانب عایشه خیلی امر مشکل و پیچیده ای نیست . زیرا در کتب اهل سنت وارد شده است که ۱۲ سال طول کشید تا عمر سوره بقره را یاد بگیرد . و به شکرانه آن چندین شتر ذبح کرد .

«عن ابن عمر قال: تعلم عمر بن الخطاب رضی الله عنه البقره فی إثنی عشره سنه فلما أتمها نحر جزورا»^{۳۴}

بسیار ساده است برای اینکه این کند ذهنی خلیفه ناحق رسول خدا صلی الله علیه و آله را توجیه کنند نقص حافظه را به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نسبت می دهند.

^{۳۴} «شعب الإیمان» (۲ / ۳۳۱ ت زغلول)

فهرست منابع

١. قرآن كريم
٢. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار (ط - بيروت) - بيروت، چاپ: دوم، ١٤٠٣ ق.
٣. البخارى الجعفى، محمد بن اسماعيل، صحيح البخارى، السلطانية - مصر، الطبعة الأولى عام ١٤٢٢ هـ
٤. أبو الحسين، مسلم بن الحجاج، الجامع الصحيح «صحيح مسلم»، دار الطباعة العامرة - تركيا
٥. أبو عمر، يوسف بن عبد البر، جامع بيان العلم وفضله، دار ابن الجوزى - السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤١٤ هـ
٦. أبو عبد الله، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، دار صادر - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٩٦٨ م
٧. ابن الأثير، مجد الدين أبو السعادات المبارك، النهاية فى غريب الحديث والأثر، المكتبة العلمية - بيروت
٨. السخاوى المصرى، أبو الحسن على بن محمد، تفسير القرآن العظيم، دار النشر للجامعات، الطبعة: الأولى، ١٤٣٠ هـ
٩. الذهبى، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان، سير اعلام النبلاء، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٥ هـ
١٠. الذهبى، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان، تاريخ الإسلام، دار الكتاب العربى - بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤١٣ هـ
١١. الحاكم النيسابورى، أبو عبد الله محمد بن عبد الله، المستدرک على الصحيحين للحاكم، ط العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١١ هـ
١٢. القرطبى، أبو عمر يوسف بن عبد الله، الاستيعاب فى معرفة الأصحاب، دار الجيل - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٢ هـ
١٣. أبو الفضل العسقلانى، أحمد بن على بن حجر، فتح البارى لابن حجر، دار المعرفة - بيروت، ١٣٧٩ هـ
١٤. أبو عبد الله، أحمد بن محمد بن حنبل، مسند أحمد، مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ

١٥. أبو داود ، سليمان بن الأشعث الأزدي السجستاني، سنن أبي داود ، دار الرسالة العالمية ، الطبعة: الأولى، ١٤٣٠ هـ

١٦. النسائي ، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب ، خصائص أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ، مكتبة المعلا - الكويت ، الطبعة: الأولى، ١٤٠٦

١٧. أبو داود الطيالسي ، سليمان بن داود ، مسند أبي داود الطيالسي ، دار هجر - مصر ، الطبعة: الأولى، ١٤١٩ هـ

١٨. أبو بكر ، أحمد بن الحسين البيهقي ، شعب الايمان ، دار الكتب العلمية، بيروت- لبنان ، الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ

١٩. ابن ابي الحديد، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد - قم، ١٣٧٨-١٣٨٣ ش.